

حافظ

(ویرایش جدید)

بهاء الدین خُرمشاهی

چاپ چهارم



انتشارات ناهید

سرنامه	: خز مشاهی، بهاء الدین، ۱۳۲۴ -
عنوان و نام پدید آور	: حافظ (ویرایش جدید) / بهاء الدین خز مشاهی.
وضعیت ویراست	: [ویراست ۲]
مشخصات نشر	: تهران، ناهید، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری	: چهارده، ۲۷۹ ص.
شابک	: 978-964-6205-87-1
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: چاپ چهارم: ۱۳۸۷.
موضوع	: حافظ، شمس الدین محمد، - ۷۹۲ ق. - نقد و تفسیر.
موضوع	: حافظ، شمس الدین محمد، - ۷۹۲ ق. - کتابشناسی.
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۸ ق.
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۷ ۱۸ ح ۴ خ / ۵۴۳۵ PIR
رده بندی دیویی	: ۸۶۱/۳۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۲۰۰۸۳۵

● بهاء الدین خز مشاهی

● حافظ

● حروفچینی: شبستری

● چاپ چهارم: بهار ۱۳۸۷ (چاپ/ ویراسته اول انتشارات ناهید)

● چاپ گلشن

● شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

● حق چاپ محفوظ است.

● ۴۲۰۰ تومان



انتشارات ناهید

فهرست

پیشگفتار.....	نُه
فصل اول) زمانه حافظ.....	۱
خانندان اینجو / اینجویان.....	۲
شاه شیخ ابواسحاق.....	۲
مظفریان / آل مظفر.....	۵
امیر مبارزالدین.....	۵
شاه شجاع.....	۷
شاه یحیی.....	۱۰
شاه منصور.....	۱۱
فصل دوم) زمینه فرهنگی حافظ.....	۱۳
شیراز، دارالعلم و برج اولیا.....	۱۳
حافظ چه کتابهایی می خوانده است؟.....	۱۶
حافظ و علوم بلاغی.....	۳۲
حافظ و علوم قرآنی.....	۳۶
فصل سوم) اندیشه سیاسی و سلوک فردی و اجتماعی حافظ.....	۴۴
مدح و مدیحه سرایی حافظ.....	۵۰
واقعیت تلخ و واکنش شیرین.....	۵۸

۶۰	چارچوب اندیشه سیاسی و سلوک فردی و اجتماعی حافظ
۶۲	واقعیت
۶۴	واکنش
۷۳	سخن آخر
۷۷	فصل چهارم) سبک حافظ
۷۷	معنی در شعر حافظ
۸۹	ساخت و صورت غزل حافظ
۹۷	فصل پنجم) اندیشه‌های فلسفی و کلامی حافظ
۹۷	اندیشه‌های فلسفی
۱۰۴	اندیشه‌های کلامی
۱۱۱	فصل ششم) اندیشه‌های دینی و اعتقادات حافظ
۱۱۳	توحید و خداباوری
۱۱۴	نبوت عامه و خاصه
۱۱۶	قرآن
۱۱۶	اعتقاد حافظ به معاد
۱۱۷	شیعه و طنز حافظ درباره مقدسات
۱۲۱	چرا حافظ به جای تمصب تساهل دارد؟
۱۲۲	آیا حافظ شیعه است؟
۱۲۸	فصل هفتم) اندیشه عرفانی حافظ
۱۲۸	پیر حافظ
۱۳۲	انتقاد حافظ از صوفی و خانقاه و خرقه
۱۳۷	فرار حافظ از تصوف و پناه او به عرفان
۱۴۳	ملامتی‌گری حافظ
۱۴۶	سمبولیسم / نمادپردازی عرفانی
۱۴۸	سخن آخر: مقام عرفانی حافظ

- فصل هشتم) دو پیام و دستاورد بزرگ حافظ: عشق و رندی ۱۵۱
- عشق ۱۵۲
- رندی ۱۵۹
- فصل نهم) از حافظ چه می‌توان آموخت ۱۷۰
- آیا حافظ بدآموزی دارد؟ ۱۸۳
- راز تازگی جاودانه حافظ ۱۸۵
- فصل دهم) برای مطالعه بیشتر (کتابشناسی توصیفی مهمترین آثار حافظ پژوهی) ۱۸۹

به نام خدا

پیشگفتار

درست است که با شعر و شخصیت و ذهن و زبان حافظ انسی چهل ساله دارم، اما کتاب حاضر را از سر ذوق و شوق، یا ذوق زدگی و شوق زدگی ننوشته‌ام. همچنین به بدیهه‌سرایی فرصت نداده‌ام، که بدون طرح و برنامه عنان قلم را از دستم بریاید. حاصل آنکه اگر حمل بر خودستایی نشود این کتاب، حاصل نوعی احساس مسئولیت در برابر خوانندگان و حافظ‌پژوهانی است که به حق انتظار طرح مسائل و مباحث و اطلاعات و تحقیقات بایسته و بسامان درباره همه شئون ذهن و زبان و معانی و بیان، و زمانه و زمینه و ذات و صفات و هنر و حیات و شعر و شخصیت حافظ دارند. احساس وظیفه کردم که به این انتظار طبیعی، پاسخی شایسته و در حد بضاعت خود جامع عرضه بدارم. همین است که برای طرح تدوین این کتاب، مسئولانه‌تر از هر کتاب دیگرم، تأمل و مطالعه کردم. امیدوارم، چنان‌که احساس و آرزو دارم، در فصول دهگانه این کتاب، ضروری‌ترین مسائل و مباحث مربوط به بازشناسی شعر و شخصیت حافظ را عرضه کرده باشم.

از آنجا که هیچ بحث ناگفته‌ای — که در متن کتاب ناگفته مانده باشد — ندارم، لذا در این پیشگفتار کوتاه، به اختصار فصلهای دهگانه کتاب را معرفی می‌کنم. فصل اول: «زمانه حافظ»، در جهت بازبایی چهره حافظ در محور مختصات تاریخی است. هر قدر که دوست دارم حافظ را فرا — تاریخی یا حتی بی تاریخ بنگرم، اما از حداقل

توصیف عصر حافظ و معرفی سلسله‌ها یا فرمانروایی که در زندگی و هنر او به نحوی مؤثر بوده‌اند، گزیری نبود. من حافظ را، یا هیچ نابغه دیگر را، تماماً محصول زمانه تاریخی و حتی زمینه فرهنگی نمی‌دانم، و این نگرش را مکانیستی و مادی می‌یابم. انسان محصول سرجمع نیروهای طبیعی و اجتماعی نیست، بلکه بُعدی فردی و یگانه دارد. بیش از آنچه تاریخ و عوامل مناسب محیط نوابغ را پیرورد، نوابغ تاریخ را می‌سازند و عوامل را می‌آفرینند. انسان حدی به لاهوت و ملکوت، به آزادی و اختیار، پیش‌بینی‌ناپذیری، و فردیت دارد که داده یا فرآورده تاریخ و طبیعت نیست. وگرنه هیچ دلیلی ندارد که از دل محیط مناسب و نبوغ پرور، چندین و چند نابغه، یا حتی نسلی از نوابغ پدید نیاید. تا پایان جهان هم تصور نمی‌کنم با پیشرفت مهندسی ژنتیک و بسی برنامه‌ریزها و دست‌کاریها در طبیعت و خلقت، بتوان نابغه‌پروری کرد. شاید بتوان هوش مصنوعی را دامن زد، اما نبوغ و هنر طبیعی را نمی‌توان. تفاوت عظیمی که بین حافظ و شاعران معاصرش از جمله کمال خجندی، ناصر بخارایی، عماد فقیه، شاه نعمت‌الله ولی و دیگران هست، حاصل زمانه تاریخی و زمینه فرهنگی نیست — که به یکسان برای همه وجود داشته است — بلکه محصول فردیت و نبوغ فردی حافظ است.

فصل دوم: «زمینه فرهنگی حافظ» نام دارد که با وجود کمبود منابع، کوشیده‌ام تصویری از حیات فرهنگی حافظ و عصر حافظ به دست بدهم. قصدم بیشتر توصیف بوده است، نه تحلیل، یا از آن بدتر تعلیل. آن قدر که حافظ فرهنگ را پدید آورده است، فرهنگ حافظ را پدید نیاورده است. چرا که اطلاعات و معلومات فرهنگی معاصران حافظ، از شاعر و عارف و عالم، به اندازه حافظ بوده است و شاید بیشتر. در این فصل پس از معرفی شیراز که دارالعلم و برج اولیا نامیده می‌شده است، باب بحث تازه‌ای را گشوده‌ام تحت عنوان «حافظ چه کتابهایی می‌خوانده است؟» سپس از دو رشته علمی و فرهنگی مهم زمانه حافظ، که حافظ در آنها تخصص حرفه‌ای داشته است، یعنی علوم بلاغی و علوم قرآنی، و پایگاه حافظ در آن رشته‌ها سخن گفته‌ام.

فصل سوم: «اندیشه سیاسی و سلوک فردی و اجتماعی حافظ» نام دارد که یکی از

بلندترین فصلهای این کتاب است، و معنای اجتماعی و سیاسی رندی حافظ و فرصت‌شناسی هوشمندانه او را نشان داده‌ام که ظاهراً در خدمت شاه و وزیر بود و باطناً شاه و وزیر را در خدمت هنر خویش گرفته بود. چرا که «عرصه شطرنج رندان را مجال شاه نیست.» نشان داده‌ام که چه خوب است که حافظ محافظه‌کار و طرف‌دار وضع موجود بوده است. همچنین از پراگماتیسم او که گاه به نحوی متعارض و با رگه‌هایی از آنارشیزم و نیهیلیسم هم قرین می‌شده است، سخن گفته‌ام. و گفته‌ام که انقلابی‌اندیشی او در عرصه اخلاق و هنر است، نه در عرصه عمل سیاسی. و اشتباه کسانی را که کار و کارنامه حافظ را با معیارهای اندیشه سیاسی و تعهد و مسئولیت روشنفکرانه امروز می‌سنجند، به خیال خود، نشان داده‌ام. در این فصل مدح و مدیحه‌سرایی حافظ را هم عملی متعارف و رفتاری فرهنگی و موافق با معیارهای متعارف زمانه دیده‌ام و آن را از نظر اخلاقی ناپسند نیافته‌ام.

فصل چهارم: «سبک حافظ» نام دارد با دو زیرفصل. الف) «معنی در شعر حافظ» که نشان داده‌ام شعر حافظ پر معنی‌ترین نمونه شعر فارسی است و گفته‌ام که سرِ اعتلا و عظمت حافظ در این است که هم به مضمون توجه داشته است و هم به معنی و تعریف تازه‌ای از مضمون و معنی، با شواهد بسیار، به دست داده شده است. و چند غزل حافظ را که به نحو اتفاقی انتخاب شده است، با چند غزل سعدی از نظر تنوع مضمون و معنی سنجیده‌ام و نشان داده‌ام که شعر حافظ در مقایسه با شعر سعدی پر از تنوع و تکثر معانی است. ب) در زیرفصل بعدی از «ساخت و صورت غزل حافظ» بحث کرده‌ام. و بحثی را که سالها پیش در مقاله «قرآن و اسلوب هنری حافظ» در کتاب ذهن و زبان حافظ داشتم، صریح‌تر و سنجیده‌تر بازگفته‌ام و طرز تازه و نظم پرباشان، و سبک پاشان حافظ را که در غزل انقلاب کرده است و به ابیات غزل استقلال معنایی و مضمونی بخشیده است، مشروحاً توضیح داده‌ام.

فصل پنجم: «اندیشه‌های فلسفی و کلامی حافظ» است شامل دو بخش، یکی درباره اندیشه‌های فلسفی حافظ و دیگری درباره اندیشه‌های کلامی. در بخش اول اندیشه‌ورزی فلسفی حافظ را با ارائه شواهد بسیار، ژرفتر از فیلسوفان حرفه‌ای

معاصر او یا اعصار دیگر یافته‌ام و او را همانند خیام و مولوی و غزالی با فیلسوفان و اندیشه‌وران اگزیستانسیالیست غرب از قدیس اوگوستین و کی‌یرکگور و پاسکال تا امثال اونامونو [و در اینجا می‌افزایم: تولستوی و داستایوسکی] هم مشرب و هم منظر شمرده‌ام و ایبانی از حافظ را که اندیشه فلسفی ژرفی در آنها نهفته است، شرح داده‌ام. در بخش دوم اندیشه‌های کلامی اشعری حافظ — که با استادش قاضی عضد ایجی، صاحب مواقف همانند بوده است بیان داشته‌ام.

فصل ششم: «اندیشه‌های دینی و اعتقادات حافظ» نام دارد و در بخشهای هفت-هشتگانه آن از «توحید و خداباوری» حافظ و اعتقادش به «نبوت عامه و خاصه» و به «معاد» بحث شده است. و گفته شده است که شبهه‌های شیرین حافظ و نیز سربه‌سر گذاردن او با مقدسات حاکی و ناشی از درد دین است و انتقادهای او از نهادها یا شخصیت‌های دینی و عرفانی، فرع بر اعتقاد اوست. و دلایل اینکه «چرا حافظ به جای تعصب تساهل دارد؟» توضیح داده شده است. آخرین مبحث این فصل بحث در احتمال شیعه بودن حافظ و بررسی ادله شیعه بودن یا سنی بودن اوست، و نهایتاً به این نتیجه رسیده است که اشعری‌گری و اهل سنت بودن حافظ هم دلایل تاریخی دارد و هم شواهد بسیار و انکارناپذیر از شعر او، اما گرایش او و ارادت او به اهل بیت عصمت — علیهم السلام — نیز محرز و انکارناپذیر است. و حافظ همانند ابن عباس و ابن مسعود (از صحابه)، تا طبری و غزالی و امام فخر رازی و دو شاعر کبیر: مولوی و سعدی، با آنکه اهل سنت است، در عالم تشیع و برای شیعیان همواره و بیش از حد محبوب است.

فصل هفتم: در «اندیشه‌های عرفانی حافظ» است با بحث در پیر حافظ. و بیان اینکه حافظ به جای آنکه پرورده پیری باشد، پرورنده و آفریننده پیری است، اسطوره‌ای به نام پیر مغان. و دلایل انتقادهای حافظ از خانقاه و صوفی و نیز دلایل «فرار حافظ از تصوف و پناه او به عرفان» مشروحاً بیان شده است. مباحث دیگر این فصل عبارتند از: «ملائی‌گری حافظ»، «سمبولیسم/ نمادپردازی عرفانی او»، و سخن آخر: ارزیابی مقام عرفانی حافظ و بیان اینکه او شاعر عارف است و بزرگانی

چون سنایی، عطار و مولانا عارف شاعر.

فصل هشتم: درباره «دو پیام و دستاورد بزرگ حافظ: عشق و رندی» است. در اینجا تعاریف و برداشتهای بسیاری از حافظ پژوهان درباره عشق و رندی حافظ و اینکه رند حافظ همان حافظ رند است، نقل و ارزیابی و نقد شده است.

فصل نهم: «از حافظ چه می توان آموخت؟» نام دارد. و در اینجا به عنوان مقدمه توضیح داده شده است که از هنر و هنرمندان، در درجه اول باید انتظار هنر و بخشیدن حظ هنری و آفرینش زیبایی داشت، تا معلومات و تعلیمات. و گفته شده است که اثر هنری هرچه زیباتر و هنری تر باشد، کارایی عملی اش کمتر است. سپس شمه ای از آموزشها و الهام بخشی های پیدا و پنهان حافظ با شواهدی از شعر او باز نموده شده است؛ و به شبهه کسانی که کسروی وار، در هنر حافظ بدآموزی می بینند، پاسخ داده شده است. و در پایان این فصل از «راز تازگی جاودانه حافظ» بحث شده است.

فصل دهم و پایانی کتاب حاضر «برای مطالعه بیشتر: حافظ در جهان ادب و ادب جهان، با نظری به کتاب شناسی و رجال شناسی» نام دارد و امهات آثار و منابع و متون حافظ پژوهی به میزان لازم، هر یک از یک پاراگراف تا چند صفحه معرفی شده است. از حدوداً یکصد اثری که به شیوه زندگینامه - کتابنامه ای معرفی شده، ۲۵ اثر فقط طبعها و تصحیحهای مختلف دیوان حافظ است. و در پایان گزارشی از ترجمه های شعر حافظ به زبانهای گوناگون، عرضه گردیده است.

□

یاد و سپاس

اکنون که پس از فاصله ای هشت ساله با چاپ سوم، این اثر به چاپ چهارم می رسد، از ناشر چاپ اول سپاسگزارم که پیشنهاد دهنده شوق انگیز تألیف این اثر شد. به آقای محمد سید اخلاقی هم که کتاب را عالمانه ویراست، دین اخلاقی دارم. سپس از ناشر این چاپ، دوست دانشمند جناب آقای مسعود کریمی، مدیر محترم نشر ناهید، سپاس بسیار دارم که همت والایش بر تافت که اثر بدون تجدید چاپ بماند. نیز از

حروفنگار با سلیقه آقای سعید شبستری و همکاران ایشان در حروفنگاری، و فرزندم عارف که با حوصله و دقت اثر را نمونه‌خوانی کرد، و سپس مسئولان لیتوگرافی و چاپ و صحافی این اثر، تشکر دارم.

و سپاس در آغاز و انجام خداوند راست.

بهاء‌الدین خرمشاهی

تهران، بهار ۱۳۸۷